فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی
سال بیست و یکم، شماره ۶۷، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۱۵۲-۱۳۱

اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه بازبودن تجاری بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی (مطالعه موردی ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی)

سیدکمیل طیبی
استاد اقتصاد دانشگاه اصفهان
komail@econ.ui.ac.ir

فرشید پورشهابی
دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشگاه سیستان و بلوچستان
pourshahabi.f@gmail.com

مجتبی خانی‌زاده امیری
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی (نویسنده مسئول)
mojtaba.amiri63@gmail.com

الهام کاظمی
کارشناس‌ارشد علوم اقتصادی
e.kazemi2011@gmail.com

در این مطالعه با توجه به فرایند جهانی شدن و اهمیت یافتن نقش تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به بررسی آثار درجه باز بودن تجاری کشورها و نیز مکانیزم جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی در ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی پرداخته شده است. برای بررسی این موضوع عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی این کشورها از جمله درجه باز بودن تجاری و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی دوره زمانی (۲۰۰۸-۱۹۸۰) مورد بررسی قرار گرفته است. برای اهداف برآوردی از روش داده‌های پانل با اثرات ثابت به‌صورت پویا و نیز روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) استفاده شده است. نتایج نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری داخلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، درجه باز بودن تجاری و سرمایه انسانی اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است، اما تورم و توسعه مالی اثر منفی و معنا داری بر رشد اقتصادی داشته‌اند، همچنین مشاهده شده است که رشد اقتصادی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه مالی اثر مثبت و معنا داری بر سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها دارند، اما درجه بازبودن تجاری اثر منفی و معنا داری بر سطح سرمایه‌گذاری این کشورها طی دوره موردنظر داشته است.

طبقه‌بندی JEL: *E22, F21, F43.*
واژه‌های کلیدی: *سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت، سرمایه‌گذاری داخلی، رشد اقتصادی.*

*** تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/٤/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۲۰**

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

۱. مقدمه

تعاریف متعددی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)[1] ارائه شده است. از نظر UNCTAD[2] سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عبارت است از سرمایه گذاری که متضمن روابط اقتصادی بلندمدت بوده و نشان‌دهنده منافع پایدار و کنترل واحد اقتصادی مقیم یک کشور(شرکت مادر) بر واحد اقتصادی مقیم کشور دیگر (شعبه فرعی بنگاه مادر) است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه صندوق بین‌المللی پول سرمایه‌گذاری است که به هدف کسب منافع پایدار در کشوری بجز موطن فرد سرمایه‌گذار انجام می‌شود و هدف سرمایه‌گذار از این سرمایه‌گذاری آن است که در مدیریت بنگاه مربوط نقش مؤثر داشته باشد (طیبی و دیگران، ۱۳۸۷).

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی ابزار مهمی برای افزایش عرضه سرمایه‌ها برای سرمایه‌گذاری داخلی و به‌دنبال آن بهبود تشکیل سرمایه در کشور میزبان محسوب می‌گردد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی می‌تواند سرمایه‌گذاری محلی را به‌وسیله افزایش سرمایه‌گذاری داخلی از طریق ارتباط در زنجیره تولید، زمانی شرکت‌های خارجی نهاده‌های ساخته‌شده به‌صورت محلی را خریداری می‌نمایند یا زمانی‌که بنگاه‌های خارجی نهاده‌های واسطه‌ای را برای بنگاه‌های محلی عرضه و تأمین می‌نمایند تحریک نماید. به‌علاوه، FDI ورودی می‌تواند ظرفیت صادرات کشور میزبان را افزایش دهد و باعث شود که کشور در حال توسعه درآمدهای ارزی بیشتری را جذب نماید. این نوع سرمایه‌گذاری با ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش انتقال تکنولوژی مرتبط بوده و باعث بهبود کلی رشد اقتصادی در کشورهای میزبان می‌گردد. بنابراین تجارت و جریان‌های ورودی FDI به‌عنوان عواملی مهم در فرایند رشد اقتصادی شناخته شده‌اند (آذربایجانی، ۱۳۸۸).

جهانی شدن سرمایه به‌ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) به‌صورت چشمگیری در دو دهه گذشته افزایش یافته است. در کشورهای در حال توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به پایدارترین و بزرگترین بخش از جریان سرمایه تبدیل شده است، در نتیجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جایگزین مهمی در فرایند توسعه مالی است (توسعه مالی جهانی).[3] دلایل بسیاری برای اهمیت جریان‌های ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از جمله ایجاد اشتغال که با ورود سرمایه‌گذاری خارجی و مشارکت جهت ایجاد و راه‌اندازی کارخانجات مختلف، جذب نیرو و در نتیجه سطح اشتغال افزایش می‌یابد. انتقال فناوری و تکنولوژی روز به کشور در اثر سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا نماید، همچنین افزایش رقابت‌پذیری که شرکت‌های سرمایه‌گذار می‌توانند دسترسی به بازارهای صادراتی برای

1. Foreign Direct Investment
2. United Nations Conference on Trade and Development
3. Global Development Finance

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

کالاها و برخی خدمات که هم اکنون در کشور میزبان تولید می‌شود را به‌وجود آورند و به آنان کمک کنند که از بازار های داخلی به بازارهای بین‌المللی روی آورند و آنان را به فعالیت‌های جدید سوق دهند (کوبرین، ۲۰۰۵).

امروزه بسیاری ازکشورهای جهان به‌دلیل ناکافی بودن منابع داخلی برای سرمایه‌گذاری تمایل بسیاری به جذب سرمایه‌های خارجی یافته‌اند. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاران خارجی به‌ویژه شرکت‌های فراملیتی، برای ارتقای سطح رقابت‌پذیری وکسب سود بیشتر به سرمایه‌گذاری در مناطق مستعد و مزیت‌دار متمایل شده‌اند، همچنین طی دو دهه گذشته با ارتقای سطح تکنولوژی، امکان انتقال سرمایه به‌میزان قابل توجهی افزایش یافته است و نتیجه طبیعی عوامل فوق رشد سریع سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای مختلف اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه بوده است (نجارزاده و دیگران، ۱۳۸۴). ارتباط بین تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی نیز در کشورهای درحال‌توسعه و توسعه‌یافته همواره مورد توجه بوده است. براساس نظر آریتی (۲۰۰۵) برای یک کشور در حال توسعه تجارت ممکن است باعث افزایش سطح مهارت‌ها از طریق ورود یا اتخاذ تکنولوژی تولید برتر و ابداعات گردد. واکزیارگ[1] (۲۰۰۰) استدلال نمود که باز بودن تجارت تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد و دلیل آن انباشت سریع سرمایه فیزیکی، انتقال تکنولوژی و بهبود سیاست‌های اقتصاد کلان است.

اقتصاددانان تاکنون عوامل متعددی را به‌عنوان دلایل اصلی تفاوت عملکرد برخی کشورها در جذب FDI نسبت به سایر کشورها برشمردند. عواملی مانند اندازه بازار، نرخ تورم، شدت باز بودن تجاری، نرخ دستمزد، نسبت بدهی خارجی به تولید ناخالص داخلی، نسبت سرمایه‌گذاری داخلی به تولید ناخالص داخلی و... که هر یک به نوبه خود بخشی از تفاوت‌های مشاهده‌شده در جذب FDI میان کشورها را توضیح می‌دهند. از جمله عواملی که تا کنون کمتر مورد توجه قرار گرفته است نقش سرمایه‌گذاری داخلی در جذب FDI است. اگر فرض کنیم که نرخ سرمایه‌گذاری کشور میزبان بر جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مؤثر است فرض غیرمنطقی ننموده‌ایم. نرخ سرمایه‌گذاری داخلی بازتابی ازگرایش مردم برای کسب وکار و اعتماد آنها به آینده اقتصاد می‌باشد. همچنین این متغیر اطلاعاتی از محیط سرمایه‌گذاری درکشور را ارائه می‌دهد، بنابراین سرمایه‌گذاری داخلی به‌عنوان یک متغیر مستقل و توضیحی از تغییرپذیری سطح جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. از این رو، انتظار داریم زمانی که سرمایه‌گذاری داخلی در سطح بالایی قرار دارد جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بالا باشد (شاه‌آبادی و محمودی، ۱۳۸۵). سرمایه‌گذاری داخلی با گسترش زیرساخت‌ها

1. Wacziarg

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

شامل بنادر، جاده‌ها و فرودگاه‌ها، زیرساخت‌های ارتباطی (پست، تلفن و اینترنت) و حمل و نقل، عرضه آب، انرژی و مواد طبیعی اولیه، مکان‌های عمومی وتفریحی باعث کاهش هزینه فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، افزایش نرخ بازده سرمایه و در نتیجه ایجاد انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی به‌منظور افزایش سرمایه‌گذاری مستقیم درکشور خواهد شد.

بنابراین با توجه به اهمیت بررسی اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت بر سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه در این مطالعه به بررسی این موضوع برای ۱۰ کشور در حال توسعه آسیایی شامل کشورهای ایران، اندونزی، تایلند، چین، سریلانکا، فیجی، فیلیپین، مالزی، هند و هنگ کنگ پرداخته شد و نیز عوامل مؤثر بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی کشورهای فوق در دوره زمانی(۲۰۰۸-۱۹۸۰) بررسی شده است. در ادامه، ابتدا مروری اجمالی بر ادبیات تحقیق صورت‌گرفته و پس از معرفی مدل و متغیرهای مورد استفاده نتایج مطالعه تجربی گزارش‌شده و نتیجه‌گیری ارائه شده است.

۲. مبنای تئوریکی

۲-۱. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی

نظریه‌های رشد هارود –دومار، سولو، نظریه توسعه روستو و سایر نظریه‌های مدرن اغلب متکی بر توان فزایی مادی از طریق به‌کارگیری سرمایه در کالبد اقتصاد بودند. بدیهی است تأمین مالی تشکیل سرمایه از راه‌های مختلف از جمله بدهی‌های خارجی، استفاده از پس‌اندازهای داخلی، جذب سرمایه خارجی و... امکان‌پذیر است. پس‌اندازهای داخلی کشورهای در حال توسعه قادر به پوشاندن شکاف بین سرمایه‌گذاری و پس‌انداز نیستند و بازارهای سهام آنها در مراحل ابتدایی قرار دارند، بنابراین کشورهای در حال توسعه می‌بایست در جهت استفاده از روش‌های جذب سرمایه‌های خارجی گام بردارند. ورود جریان‌های سرمایه به کشورهای در حال توسعه آثار کلان اقتصادی را به‌همراه دارد. جریان‌های سرمایه‌گذاری خارجی در اوراق‌بهادار موجب کاهش هزینه سرمایه شرکت‌های داخلی شده و همچنین به‌عنوان مکمل پس‌اندازهای داخلی بوده و اثر مثبتی بر اقتصاد کشورها دارد.

یکی از نخستین مطالعاتی که بر رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری داخلی صورت گرفته است مطالعه ون لو (۱۹۷۷) برای اقتصاد کانادا است. وی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر سرمایه‌گذاری را به دو اثر مستقیم و غیرمستقیم تقسیم نمود. هر یک از این آثار ممکن است مثبت یا منفی باشند و آنها تعیین می‌کنند که آیا سرمایه‌گذاری خارجی، سرمایه‌گذاری در کانادا را بالا می‌برد یا آن را کاهش می‌دهد. نتایج مطالعه وی نشان‌دهنده آن است که یک دلار سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

حدود ۱/۴۰ دلاری در سرمایه‌گذاری کل از طریق اثر مستقیم می‌شود، اما اثر کل احتمالاً به‌دلیل اثر منفی غیرمستقیم به‌صورت قابل توجهی کوچکتر است. در نتیجه سیاست گذاران نباید به‌سادگی فرض نمایند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توانایی تولید را در اقتصاد افزایش می‌دهد.

تحت تأثیر اثر مستقیم اگر سرمایه‌گذاری بیش از اندازه افزایش در سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یابد ممکن است گفته شود که سرمایه‌گذاری خارجی باعث آثار مکمل می‌شود. به‌عنوان مثال، شرکت‌های خارجی برای حفاری نفت ممکن است لوله تولید کانادا را خریداری نمایند و باعث افزایش در نرخ بازده در خط لوله صنعت نفت شوند و در نتیجه منجر به افزایش سرمایه‌گذاری در آن صنعت می‌شوند، همچنین سرمایه‌گذاری خارجی ممکن است تولید را با ارائه نهاده‌های کم هزینه تحریک کند. از سوی دیگر، ممکن است سرمایه‌گذاری ها کمتر از میزان سرمایه‌گذاری خارجی افزایش یابند، در این شرایط ممکن است گفته شود که سرمایه‌گذاری خارجی، جایگزینی برای سرمایه‌گذاری داخلی است. از جمله علل این جایگزینی دسترسی به فناوری برتر، مدیریت بهتر، مالیات و مزیت واردات داوودی و است و نیز سرمایه‌گذار خارجی دارای مزیت رقابتی بیش از سرمایه‌گذار داخلی می‌باشند.

شاهمرادی (۱۳۸۳) به بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب FDI در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که در کشورهای مختلف اثر سرمایه‌گذاری داخلی بخش خصوصی بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسته به درجه توسعه‌یافتگی کشورها متفاوت است. در بخش عمده‌ای از کشورهای توسعه‌یافته نظیر سوئیس، ژاپن، دانمارک، نروژ، بلژیک، فنلاند، کانادا و انگلستان سرمایه‌گذاری داخلی اثری مثبت بر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی دارد. این امر می‌تواند به دو صورت تحقق پیدا کند، از یک سو به‌وسیله علامت‌دهی مناسب برای سرمایه‌گذار خارجی و از سوی دیگر با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها که در هر صورت می‌تواند منجر به افزایش جذب سرمایه‌گذار مستقیم خارجی شود.

این امر در خصوص برخی کشورهای توسعه‌یافته نظیر آلمان، هلند و نیوزیلند صادق نیست، اما در کشورهای در حال توسعه داستان به گونه دیگری است. در اغلب این کشورها به‌نظر می‌رسد که سرمایه‌گذار داخلی و خارجی به‌صورت جانشین یکدیگر عمل نموده‌اند، به گونه‌ای که توجه به سرمایه‌گذار داخلی منجر به کاهش جذب سرمایه‌گذاری خارجی شده است. این امر در مورد کشورهایی نظیر شیلی، برزیل، مکزیک، الجزایر، فیلیپین، مصر، هندوستان، اندونزی و نیجریه مصداق دارد. گرچه در مورد کشورهایی نظیر ایران، چین، مالزی، کره و برخی کشورهای در حال گذار سرمایه‌گذاری داخلی مکملی برای سرمایه‌گذاری خارجی بوده است. متغیر دیگری که می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاران بالقوه خارجی مؤثر واقع گردد،

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

حجم سرمایه‌گذاران خارجی دوره‌های گذشته در کشور میزبان است. در واقع، بالا بودن حجم سرمایه‌گذاری در یک کشور – به فرض ثبات سایر شرایط – می‌تواند علامت مناسبی از مهیا بودن محیط و شاخص‌های مناسب جهت انجام سرمایه‌گذاری از سوی آنها باشد.

بالاسوبرامانیام و همکاران (۱۹۹۶) با استفاده از داده‌های مقطعی ۴۶ کشور در حال توسعه نشان دادند در کشورهایی که سیاست توسعه صادرات اعمال می‌شود نسبت به کشورهایی که سیاست جایگزین واردات انتخاب شده است، سرمایه‌گذاری خارجی تأثیر فزاینده‌تری بر رشد اقتصادی دارد. تحلیل الگوی اقتصادسنجی آنها نشان می‌دهد که کشش تولید نسبت به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بزرگتر از کشش آن نسبت به سرمایه‌گذاری داخلی است که دلالت بر اهمیت و تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در تولید دارد.

۲-۲. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) رشد اقتصادی را از طریق انباشت سرمایه و نیز سرریزهای دانش بهبود می‌بخشد (پورشهابی و همکاران، ۲۰۱۱). علاوه بر این، FDI معمولاً به همراه تکنولوژی پیشرفته، سازماندهی و مدیریت برتر وارد کشور می‌شود، بنابراین FDI می‌تواند به‌عنوان موتور رشد در کشورهای کمتر توسعه‌یافته مورد استفاده قرار گیرد. این مطلب در مطالعه‌ای که توسط برونزتن، گرگوریوو لی (۱۹۹۸) انجام شده است نیز مورد اشاره قرار گرفته است. آنها بر این عقیده‌اند که آثار سودمند FDI بر رشد اقتصادی توسط کارایی بالاتری که این نوع سرمایه‌گذاری به‌دلیل تکنولوژی پیشرفته دارد حاصل می‌شود نه صرفاً از طریق انباشت بیشتر سرمایه، همچنین رانا و دولینگ نیز معتقدندکه اثر مثبت FDI بر رشد اقتصادی به‌دلیل افزایش کارایی سرمایه در اثر انتقال تکنولوژی مناسب و پیشرفته حاصل می‌شود. به این ترتیب می‌توان عنوان نمود که:

رشد اقتصادی ⟹ [↑کارایی سرمایه ⟶ انتقال تکنولوژی مناسب ⟶ If: FDI]

مطالعات دلورملو، ونگ و بلاسترام و شی به‌ترتیب انتقال تکنولوژی توسط FDI و اثرگذاری آن بر رشد اقتصادی را تحت تأثیر عواملی مانند میزان اختلاف تکنولوژی بین دو کشور، سطح سرمایه‌گذاری آموزشی در کشور میزبان و هدف کشور میهمان از انجام FDI در کشور میزبان می‌دانند.

به‌نظر دلورملو هر چه اختلاف بین دو کشور کمتر باشد درجه جایگزینی تکنولوژی جدید که توسط FDI وارد شده با تکنولوژی موجود در کشور بیشتر بوده و تکنولوژی جدید در کشور جایگزین تکنولوژی قبلی گردیده و اثر FDI بر رشد اقتصادی بیشترخواهد بود، همچنین ونگ و بلاسترام معتقدند که هر چه فعالیت‌های آموزشی در کشور میزبان بالاتر باشد، انتقال تکنولوژی سریعتر و بیشتر انجام

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

خواهد شد. بنابراین میزان انتقال تکنولوژی به صورت مثبت با سطح سرمایه‌گذاری آموزشی کشورهای میزبان در ارتباط است، بنابراین افزایش سطح سرمایه‌گذاری آموزشی از کانال بهبود انتقال تکنولوژی می‌تواند منجر به افزایش رشد اقتصادی گردد. شی در مطالعه خود که به بررسی انگیزه کشورهای صنعتی و اقتصادهای اخیراً صنعتی‌شده از سرمایه‌گذاری مستقیم در چین پرداخته است به این نتیجه رسیده است که کشورهای صنعتی تکنولوژی پیشرفته را در FDI مورد استفاده قرار می‌دهند، زیرا آنها می‌خواهند به بازارهای زیاد و بالقوه دسترسی یابند، اما در طرف مقابل کشورهای اخیراً صنعتی‌شده تکنولوژی معمولی را در FDI مورد استفاده قرار می‌دهند، زیرا هدف آنها استفاده از نهاده‌های کم‌هزینه مانند نیروی کار و زمین در کشور میزبان است تا از این طریق بتوانند کالاهای تولیدی خود را به کشورهای جهان سوم صادر کنند و از هزینه‌های فزاینده تولید در کشور خود اجتناب ورزند.

البته در کنار انتقال تکنولوژی مناسب اگر FDI با آموزش نیروی انسانی در داخل و توسعه سرمایه انسانی در کشور پذیرنده FDI توأم باشد می‌تواند آثار مثبتی بر رشد اقتصادی ایفا نماید. در تأیید این مسئله می‌توان به مطالعه ونگ (۱۹۹۰) اشاره نمود که در تابع تولید متغیری به نام دانش معرفی نمود و آن را تابعی از FDI در نظر گرفت، به این ترتیب می‌توان عنوان نمود:

[If: FDI ⟶ آموزش نیروی انسانی ⟶ [توسعه سرمایه انسانی ⟹ رشد اقتصادی

همچنین بروتزتن، گرگوریو و لی (۱۹۹۸) که پیشتر به بخش دیگری از مطالعه آنان اشاره شد، عنوان می‌کنند که FDI می‌تواند از طریق انباشت سرمایه و منتقل کردن تکنولوژی مناسب که منجر به افزایش کارایی می‌شود رشد اقتصادی را شدت بخشد. آنها در مطالعه خود اثر مثبت اما نه چندان زیاد FDI بر سرمایه‌گذاری داخلی را به‌دست می‌آوردند (دلیل این امر جذابیت فعالیت‌های مکمل FDI است که موفق به راندن رقبای داخلی به‌دلیل اثر جایگزینی FDI می‌شود). بنابراین از نظر آنها این اثر مثبت FDI بر سرمایه‌گذاری داخلی که خود مشوق بیشتر رشد اقتصادی است به‌عنوان اثر مستقیم سرمایه‌گذاری خارجی تلقی می‌شود، به‌عبارت دیگر:

[If: FDI ⟶ سرمایه‌گذاری داخلی ↑] ⟹ رشد اقتصادی

مسئله دیگری که در رابطه با اثرگذاری FDI بر رشد اقتصادی مطرح می‌شود این است که در کشورهایی که FDI اثر بیشتری بر بهره‌وری می‌گذارد رشد اقتصادی بیشتر افزایش می‌یابد. این افزایش

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

بهره‌وری در اثر افزایش FDI نیز بیشتر در کشورهایی که نیروی کار ماهر دارند و از زیرساخت‌های اقتصادی توسعه‌یافته و درآمد بالاتری نیز برخوردارند به چشم می‌خورد. در این رابطه مطالعه برونزتن، گرگوریو و لی (۱۹۹۸) نشان می‌دهد در صورتی‌که کشوری از سطوح بسیار اندک سرمایه انسانی برخوردار باشد سهم FDI در رشد اقصادی آن کشور اندک و نزدیک به صفر است و با افزایش میزان سرمایه انسانی اثر FDI بر رشد اقتصادی به شدت افزایش می‌یابد. همچنین لوکاس (۱۹۹۹) معتقد است که کمبود سرمایه، سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای کمتر توسعه‌یافته را تضعیف می‌کند. در این زمینه، نوربخش و دیگران (۲۰۰۱) در مطالعه به این نتیجه می‌رسند کشورهایی که تنها به نیروی کار ارزان و کم مهارت و منابع طبیعی خود در جذب FDI فکر می‌کنند، نمی‌توانند FDI را به صنایعی هدایت کنند که ارزش افزوده بالاتری دارند و از رشد اقتصادی کمتری برخوردار خواهند بود. به‌طور کلی، وجود سرمایه انسانی و نیروی کار متخصص و تحصیلکرده برای جذب سرمایه و اثرگذاری بیشتر بر رشد اقتصادی لازم است، بنابراین:

[If: (۱- وجود سرمایه انسانی زیاد ۲-وجود زیرساخت های اقتصادی توسعه یافته) → FDI → بهره وری ↑] ⇨ رشد اقتصادی

۲-۳. تجارت و رشد اقتصادی

درخصوص تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی نظریه‌های اقتصاددانانی همچون آدام اسمیت[1]، استوارت میل[2]، دیوید هیوم[3]، دیوید ریکاردو[4]، آیسینک[5]، رائولپربیش[6]، فریدریکلیست[7]، هانس سینگر[8]وجود دارد. نظریه‌های آنها را می‌توان به دو دسته موافقان تجارت آزاد و مخالفان تجارت آزاد دسته‌بندی نمود. موافقان تجارت آزاد معتقدند که تجارت آزاد، رشد اقتصادی را شتاب می‌دهد و از آن به عنوان موتور رشد اقتصادی یادکرده اند. اما مخالفان تجارت آزاد آن را عامل مهم درکاهش رشد و توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌دانند. در دهه‌های اخیر کشورهای در حال توسعه با عنایت به نظریات

1. Adam Smith
2. Stuart Mill
3. David Hume
4. David Ricardo
5. D.B.Keesing
6. Raul Perbisch
7. Friedrich List
8. Hans Wolfgang Singer

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

گوناگون در خصوص تأثیر تجارت خارجی بر رشد اقتصادی و با توجه به شرایط اقتصادی کشور خود سیاست‌های بازرگانی متفاوتی را اتخاذ نموده‌اند.

ارتباط بین تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته مورد توجه بوده است. براساس نظر آریتی (۲۰۰۵) برای یک کشور در حال توسعه تجارت ممکن است باعث افزایش سطح مهارت‌ها از طریق ورود و اتخاذ تکنولوژی تولید برتر و ابداعات گردد. واکزیارگ (۲۰۰۰) استدلال نمود که باز بودن تجارت رشد به‌دلیل انباشت سریع سرمایه فیزیکی، انتقال تکنولوژی و بهبود سیاست‌های اقتصاد کلان تأثیر مثبت و معنا داری بر دارد.

مطالعات تجربی گذشته در خصوص عموم کشورها یا یک کشور خاص در مورد رابطه رشد- FDI و رابطه رشد – تجارت مانند کوهپیون (۲۰۰۴)، برونزتن و همکاران (۱۹۹۸)، بالاسوبرامانیام و همکاران (۱۹۹۶)، کرباسی همکاران (۲۰۰۵) و منصوری (۲۰۰۵) عمدتاً به این نتیجه رسیدند که جریان ورودی FDI و تجارت رشد اقتصادی را ارتقا می‌دهد. با این وجود، شواهدی روشن نشان می‌دهد که آثار افزایش و رشد ناشی از جریان‌های ورودی FDI و تجارت از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است و برای برخی از کشورها FDI و تجارت می‌توانند حتی به‌صورت منفی بر رشد تأثیر بگذارند (بالاسوبرامانیام و همکاران، ۱۹۹۶، برونزتن و همکاران، ۱۹۹۸، دی ملو، ۱۹۹۹، لیپسی، ۲۰۰۱، زو، ۲۰۰۰ و پورشهابی و همکاران، ۲۰۰۹).

طبق پیشنهاد باگواتی (۱۹۸۵ و ۱۹۷۸) که به‌نام فرضیه باگواتی معروف است به‌دلیل وجود تفاوت‌هایی که میان کشورها به‌دلیل اندازه اقتصاد آنها، نظریات سیاسی در خصوص FDI و ثبات، اهمیت جریان‌های FDI و کارایی آنها در ارتقای رشد اقتصادی وجود دارد در بلندمدت کشورهایی که استراتژی توسعه صادرات (EP) را دنبال می‌کنند نسبت به کشورهایی که استراتژی جایگزینی واردات (IS) را دنبال می‌کنند رشد اقتصادی بیشتر خواهد بود، بنابراین اثر متقابل رشد و تجارت به شرایط خاص هر کشور مانند درجه باز بودن تجارت بستگی دارد. گلوبرمن و کوکو (۲۰۰۰) استدلال می‌نمایند که تأثیر سودآور FDI تنها در محیطی تقویت می‌شود که دارای یک تجارت باز و رژیم سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصاد کلان باشد. در چنین محیطی FDI می‌تواند نقش کلیدی در بهبود ظرفیت کشور میزبان در پاسخ به فرصت‌های ایجاد شده توسط همگرایی اقتصاد جهانی داشته باشد. در غیاب چنین محیطی FDI ممکن است به‌جای اینکه رشد را بهبود دهد به‌صورت یک مانع عمل کند (بالسوبرامانیام و همکاران، ۱۹۹۶).

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

۲-٤. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و رشد اقتصادی

مکی و سوموارو (۲۰۰۴) تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت را بر رشد اقتصادی ۶۶ کشور در حال توسعه برای سه دهه مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و سرمایه‌گذاری داخلی مهم‌ترین منابع رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شوند، همچنین آنها رابطه مثبت و معنا داری بین اثر توأم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت در رشد اقتصادی مشاهده کردند. آنها تأیید نمودند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مشوق افزایش سرمایه‌گذاری داخلی بوده و بیان داشتند که تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی به‌وسیله اثر توأم آن با سرمایه انسانی و سیاست‌های پولی و مالی و پایداری شرایط اقتصادی تقویت شده است. همچنین، چویی (۲۰۰۳) در مطالعه‌ای رابطه علت و معلولی بین رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی را در ۸۰ کشور برای دوره زمانی (۱۹۹۵-۱۹۷۱) بررسی نموده است و نتایج مطالعه وی نشان می‌دهد که FDI رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد و نیز رشد اقتصادی دلیل افزایش سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی است، در حالی‌که سرمایه‌گذاری ناخالص داخلی دلیل رشد اقتصادی نیست (حسینی، ۱۳۸۵).

ناث (۲۰۰۵) در مطالعه‌ای به بررسی آثار تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی ۱۰ اقتصاد در حال گذار مرکز و شرق اروپا پرداخته است. در ادبیات این مطالعه از نظریه رشد درون‌زا جهت کشف رابطه میان تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی استفاده شده است. این ادبیات نشان می‌دهد که محیط تجاری صادرات‌گرا می‌تواند در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاتالیزور باشد، در حالی‌که تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به رشد اقتصادی کمک می‌نمایند. کشورهای مرکزی و شرقی اروپا شاهد افزایش قابل توجهی در صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دهه اول انتقال خود از اقتصاد متمرکز به اقتصاد بازار بوده‌اند. این مقاله با استفاده از مجموعه داده‌های پانل برای دوره (۲۰۰۰- ۱۹۹۰) به بررسی آثار تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی و ارتباط بین صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می پردازد. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری داخلی مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رشد در اقتصاد در حال توسعه می‌باشد، همچنین شواهد نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبتی بر رشد دارد. به‌علاوه، نتایج مطالعه این فرضیه را که رژیم تجاری صادرات‌گرا اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصاد در حال توسعه را افزایش می‌دهد تأیید نمی‌کند. با این حال، اگر تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه را به‌عنوان معیاری از عملکرد اقتصادی استفاده کنیم به‌نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و صادرات به‌صورت مثبت بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند.

ناث (۲۰۰۹) در مقاله‌ای تحت عنوان "تجارت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد در کشورهای در حال گذار" به بررسی تجربی اثر تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد تولید ناخالص داخلی واقعی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

سرانه در ۱۳ اقتصاد در حال گذار اروپای مرکزی و شرقی و منطقه بالتیک در دوره زمانی (۲۰۰۵-۱۹۹۱) و با استفاده از روش داده‌های ترکیبی پرداخته است. نتایج مطالعه نشان می‌دهد که تجارت اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادهای در حال گذار این منطقه داشته است. علاوه بر این، به‌نظر می‌رسد که سرمایه‌گذاری داخلی شاخص مهمی برای رشد اقتصادی می‌باشد. به‌طور کلی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تأثیر قابل توجهی بر رشد اقتصادی کشورهای در حال گذار نداشته است.

فریمپونگ و اوتنگ آبایی (۲۰۰۶) در مطالعه خود به بررسی تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و تجارت بر رشد اقتصادی کشور غنا پرداخته‌اند. آنها با استفاده از تابع تولید کل تعمیم‌یافته (APF) مدل رشد از رویکرد آزمون باند که برای برآورد مطالعات با نمونه‌های کوچک مناسب‌تر است، برای بررسی رابطه همجمعی استفاده نموده‌اند. نتایج مطالعه آنها برای دوره (۲۰۰۰-۱۹۷۰) نشان‌دهنده تأثیر منفی FDI و اثر مثبت تجارت بر رشد است. در تئوری چندین راه بالقوه وجود دارد که در آن سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌تواند موجب رشد اقتصادی شود، به‌عنوان مثال مدل رشد نئوکلاسیک استاندارد سولو نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی سهم سرمایه و رشد در کشور میزبان را توسط تشکیلات سرمایه مالی افزایش می‌دهد

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با انتقال دانش در کشور میزبان انباشت موجود از دانش را از طریق آموزش نیروی کار، انتقال مهارت‌ها و انتقال عمل مدیریتی و سازمانی جدید افزایش خواهد داد، همچنین می‌تواند با استفاده از تکنولوژی پیشرفته انباشت سرمایه در کشورهای میزبان را ترویج دهد. بر این اساس، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با آثار مختلف سرریزهای دانش و افزایش بازده سرمایه در ارتباط است و اقتصاد را در مسیر رشد بلندمدت نگه می‌دارد، در نتیجه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از راه انباشت سرمایه و سرریزهای دانش می‌تواند نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا نماید.

۳. مدل و داده‌ها

در این مطالعه با توجه به هدف موردنظر دو مدل رگرسیونی برای تعیین عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری داخلی مورد استفاده قرار گرفته است. مدل رشد موردنظر توسط افرادی مانند برونزتن و دیگران (۱۹۹۸)، مکی و سوموارو (۲۰۰۴) و ناث (۲۰۰۵) جهت مطالعه رابطه بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است، همچنین کشورهای مورد بررسی شامل ۱۰ کشور (ایران، اندونزی، تایلند، چین، سریلانکا، فیجی، فیلیپین، مالزی، هند و هنگ کنگ) آسیایی در حال توسعه می‌باشد که دارای درجه تجاری بالایی می‌باشند. دوره زمانی مورد مطالعه نیز با توجه به محدودیت‌های آماری شامل سال‌های (۲۰۰۸-۱۹۸۰) است و منبع داده‌های مورد استفاده پایگاه اطلاعاتی بانک جهانی

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

می‌باشد و جهت برآورد مدل‌های مورد نظر از روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. مدل مورد استفاده در بررسی عوامل اثرگذار بر رشد اقتصادی کشورهای موردنظر به‌صورت رابطه (۱) بوده است:

$$Y_{it} = \beta_0 + \beta_1 X_{it} + \beta_2 Z_{it} + \mu_{it} + \varepsilon_{it} \qquad (۱)$$

که در این رابطه، Y نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی برای کشور i در سال t می‌باشد، همچنین β_0 عرض از مبدأ و β_iها ضرایب برآوردی می‌باشند. X نیز بردار متغیرهای توضیحی می‌باشد که شامل انباشت سرمایه انسانی (HC) که از طریق شاخص میانگین سال‌های تحصیل افراد بالای ۱۵ سال ارائه‌شده توسط بارو و لی (۱۹۹۳) جایگزین شده است، درجه باز بودن اقتصاد (OPEN) که به‌صورت مجموع صادرات و واردات به‌صورت درصد از تولید ناخالص داخلی محاسبه شده و نشان‌دهنده درجه همگرایی یک کشور در اقتصاد جهانی می‌باشد سرمایه‌گذاری داخلی (DI) که برابر با ساختار سرمایه ثابت ناخالص بر حسب درصد از تولید ناخالص داخلی محاسبه شده و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) برابر با خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی به کشور بر حسب درصد از تولید ناخالص داخلی محاسبه شده می‌باشد.

بردار Z شامل متغیرهای کنترل است که در مطالعات مختلف تعیین‌کننده رشد کشورها بوده‌اند. این متغیرها عبارتند از مخارج مصرفی دولت (GC) که شامل مخارج دولتی برای کالاهای مصرفی نهایی محاسبه‌شده به‌صورت درصد از تولید ناخالص داخلی تورم (INF) که رشد شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی طی یک سال است و توسعه مالی (M) است که از طریق متغیر مجموع پول و شبه پول محاسبه‌شده به‌صورت درصد از تولید ناخالص داخلی در نظر گرفته شده است. همچنین رابطه (۲) برای بررسی عوامل تأثیرگذار بر سرمایه‌گذاری داخلی مورد استفاده قرار گرفته است:

$$DI_{it} = \beta_0 + \beta_1 X_{it} + \beta_2 Z_{it} + \mu_i + \varepsilon_{it} \qquad (۲)$$

که در آن، بردار X در این رابطه شامل متغیرهای نرخ رشد تولید ناخالص داخلی سرانه حقیقی، انباشت سرمایه انسانی، درجه باز بودن اقتصاد و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است و بردار Z نیز شامل متغیرهای مخارج مصرفی دولت، تورم و توسعه مالی می‌باشد. دلیل اضافه نمودن متغیر سرمایه انسانی به مدل رشد بر پایه مدل‌های رشد درون‌زا می‌باشد که سرمایه انسانی را عاملی برای رشد اقتصاد در نظر گرفته‌اند و همچنین اضافه نمودن آن در مدل سرمایه‌گذاری داخلی بر مبنای آن است که کشورهایی که دارای سرمایه انسانی بالاتر و

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

ماهرتری هستند، پتانسیل و ظرفیت‌های بالاتری جهت انجام سرمایه‌گذاری داخلی و نیز جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی خواهند داشت.

٤. نتایج تجربی

در این مطالعه ابتدا با استفاده از آزمون F لیمر روش برآورد داده‌های پانل انتخاب شده و سپس با استفاده از آزمون هاسمن (۱۹۷۸) این موضوع که برآورد مدل می‌بایست با استفاده از روش پانل با اثرات ثابت یا روش پانل با اثرات تصادفی صورت گیرد مورد مطالعه قرار گرفته است. بر اساس نتایج آزمون هاسمن و نیز آزمون F لیمر که در قسمت پایین جداول ارائه شده است روش پانل با اثرات ثابت می‌بایست در برآورد مدل‌ها مورد استفاده قرار گیرد و اگر برآورد مدل‌ها با استفاده از روش اثرات تصادفی صورت گیرد تورش تصریح در برآورد مدل وجود خواهد داشت. روش برآورد اثرات ثابت در داده‌های پانل ناهمگنی کشورها و تورش ناشی از متغیرهای از قلم افتاده را کنترل می‌نماید.

همچنین برای درنظرگرفتن همبستگی بین مقادیر گذشته و آینده رشد اقتصادی از مدل داده‌های پانل با اثرات ثابت پویا استفاده شده است، بنابراین وقفه متغیر وابسته جهت درنظرگرفتن رفتار خود توضیحی کوتاه‌مدت در مدل وارد شده است. نتایج برآورد مدل اول در جدول (۱) ارائه شده است و نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری داخلی اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز از طریق فراهم نمودن سرمایه رشد اقتصادی را رونق بخشیده است و اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است، بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از راه انباشت سرمایه که منجر به افزایش سرمایه فیزیکی کشورها می‌گردد و نیز از طریق سرریزهای تکنولوژی که منجر به بهبود بهره‌وری و کارایی عوامل تولید در داخل کشور میزبان می‌گردد، افزایش رشد اقتصادی این کشورها را به‌همراه دارد.

درجه باز بودن تجاری نیز اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها داشته است، بنابراین با افزایش درجه باز بودن تجاری این کشورها سطح مهارت‌ها از طریق ورود تکنولوژی جدید بهبود می‌یابد و نیز منجر به بهبود سیاست‌های اقتصاد کلان می‌گردد و در مورد صنایع دارای محصولات صادراتی با گسترش بازار برای آنها امکان افزایش تولیدات فراهم می‌گردد که رشد اقتصادی کشورها را افزایش می‌دهد، همچنین نتایج نشان می‌دهد که سطح تورم از رشد اقتصادی این کشورها می‌کاهد، زیرا سطوح تورم بالا با اطمینان کمتر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در خصوص سیاست‌های پولی آینده همراه است، بنابراین برای ایجاد رشد و تداوم آن می‌بایست تورم در این کشورها کاهش یابد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جدول۱. برآورد مدل رشد با استفاده از روش آثار ثابت برای مجموعه ۱۰ کشور آسیایی

Dependent Variable: Y	ضرایب	آماره‌های t
Intercept	-۲/۳۱۲۱۷۷	۰/۸۷۷۷۱۵(۰/۳۸۱۰*)
Y(-1)	۰/۱۶۵۲۷۶	۲/۷۶۰۷۰۴ (۰/۰۰۶۲)*
DI	۰/۱۳۱۴۰۱	۲/۹۳۹۶۷۱(۰/۰۰۳۶)*
FDI	۰/۲۵۷۶۰۹	۲/۷۱۴۷۱۰(۰/۰۰۷۱)*
OPEN	۰/۰۲۳۸۷۳	۱/۸۸۵۴۹۸(۰/۰۶۰۶)**
INF	-۰/۲۳۳۴۸۵	-۸/۳۶۳۵۴۵(۰/۰۰۰) *
M	-۰/۰۵۶۱۰۷	-۳/۳۶۴۱۷۳(۰/۰۰۰۹)*
HC	۰/۴۹۴۱۸۸	۱/۶۳۱۱۰۰(۰/۱۰۴۲)
GC	۰/۰۷۲۳۹۰	۰/۶۴۶۱۱۶(۰/۵۱۸۸)
R-squared: ۰/۵۵۲۸۸۴		
F-statistic: ۱۷/۲۳۹۰۶(۰/۰۰۰)*		
Durbin-Watson stat: ۱/۸۵۷۹۳۵		
Total Observations: ۲۵۵		
Hausman test:۳۵/۴۸۲۴۳۶(۰/۰۰۰) *		
F Limer: ۷/۵۸۰۲۷۲*		

- اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده احتمال می‌باشند.

***و ****نشان‌دهنده معنا داری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد می‌باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق.

در مورد متغیر توسعه مالی نیز مشاهده می‌شود که اثر منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته است، در نتیجه توسعه مالی این کشورها نه تنها محرک رشد اقتصادی آنها نبوده است، بلکه به‌عنوان عاملی بازدارنده در برابر رشد اقتصادی آنها مطرح است که می‌تواند ناشی از ناکارایی در مکانیزم تخصیص اعتبارات ناشی شده باشد که می‌تواند انتقال نقدینگی به بخش‌های نامولد اقتصاد را به همراه داشته و موجبات بی‌ثباتی اقتصادی و در نتیجه آن کاهش رشد اقتصادی را به همراه داشته باشد. در رابطه با متغیر سرمایه انسانی نیز مشاهده می‌گردد که اثر آن بر رشد اقتصادی مثبت می‌باشد، اما از لحاظ آماری بی‌معنا است هر چند در سطح اطمینان حدود ۹۰ درصد متغیر فوق معنادار است و نشان‌دهنده آن است که بهبود سطح سرمایه انسانی کشورها از طریق افزایش سطح بهره‌وری منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. ضریب مخارج مصرفی دولت نیز مثبت است، اما از لحاظ آماری معنادار نیست.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جدول۲. برآورد مدل رشد با استفاده از روش اثرات ثابت برای مجموعه ۱۰ کشور آسیایی

Dependent Variable: Y	ضرایب	آماره‌های t
Intercept	-۵/۰۳۳۵۰۰	-۱/۴۲۴۶۰۸(۰/۱۵۵۶)
DI	۰/۲۰۵۵۴۹	۴/۰۰۹۴۱۳(۰/۰۰۰۱) *
FDI	۰/۱۸۰۰۸۰	۲/۹۲۳۵۱۸(۰/۰۰۳۸) *
OPEN	۰/۰۳۴۶۷۴	۲/۲۹۶۲۹۱(۰/۰۲۲۵) *
INF	-۰/۲۳۷۸۲۹	-۴/۵۷۷۸۷۵(۰/۰۰۰۰) *
M	-۰/۰۸۰۱۹۵	۰/۰۲۱۳۹۸(۰/۰۰۰۲) *
HC	۰/۷۸۴۱۶۵	۲/۱۶۴۵۴۸(۰/۰۳۱۴) *
GC	۰/۰۸۱۲۳۱	۰/۵۳۲۷۸۸(۰/۵۳۲۷۸۸)
AR(1)	۰/۲۵۸۶۳۷	۳/۹۲۳۶۹۰(۰/۰۰۰۱)*
R-squared: ۰/۵۶۴۹۳۱		
F-statistic: ۱۷/۸۷۳۲۲۵(۰/۰۰۰۰) *		
Durbin-Watson stat: ۲/۰۵۸۰۰۳		
Total Observations: ۲۵۵		
Hausman test: ۳۲/۶۷۶۷۹۹(۰/۰۰۰۰) *		
F Limer: ۵/۷۲۴۹۶۸۰۱۹ *		

- اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده احتمال است.

* و ** نشان‌دهنده معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰ درصد می‌باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق

در ادامه، با حذف وقفه متغیر وابسته که جهت درنظرگرفتن رفتار خود توضیحی کوتاه‌مدت در مدل وارد شده بود به نتایج جدول (۲) خواهیم رسید. دلیل حذف متغیر وقفه متغیر وابسته، حذف پویایی مدل و بررسی پایداری ضرایب برآوردی و اطمینان از تخمین بدون تورش مدل موردنظر است. بر اساس نتایج جدول (۲) سرمایه‌گذاری داخلی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها دارند، همچنین درجه باز بودن تجاری و سرمایه انسانی نیز رشد اقتصادی این کشورها را بهبود می‌بخشند، بنابراین نتایج جدول (۲) نشان‌دهنده آن است که سرمایه انسانی در رشد اقتصادی این کشورها اثرگذار می‌باشد. به عبارت دیگر سرمایه‌گذاری در منابع انسانی این کشورها توان تولید افراد را افزایش می‌دهد و با انباشت سرمایه انسانی تولید با شتاب بیشتری رشد می نماید. اما توسعه مالی و افزایش سطح تورم به‌عنوان عوامل بازدارنده رشد اقتصادی برای این کشورها مطرح است. همانطور که ملاحظه می‌شود بر اساس مدل برآوردی جدید مدل برآورد شده در جدول (۱) نتایج پایداری را ارائه می‌دهد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

در مدل دوم که برای بررسی عوامل موثر بر سرمایه‌گذاری داخلی این ۱۰ کشور آسیایی مورد استفاده قرار گرفته است نیز اثر متغیرهای موجود در مدل اول بر متغیر سرمایه‌گذاری داخلی مورد بررسی قرار گرفته است. در این مدل وقفه متغیر رشد اقتصادی و نیز وقفه متغیر وابسته جهت درنظرگرفتن روابط پویای بین سرمایه‌گذاری داخلی و رشد اقتصادی این کشورها به‌عنوان متغیر توضیحی وارد مدل شده است. نتایج نشان‌دهنده آن است که اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مثبت است، اما از لحاظ آماری معنادار نیست. هر چند ضریب این متغیر نشان‌دهنده آن است که دو متغیر اثر مکمل ندارند، اما از لحاظ آماری این مسئله تأیید نمی‌شود. اگرچه در سطح اطمینان حدود ۹۰ درصد متغیر فوق از لحاظ آماری معنادار است و مکمل بودن آنها از این لحاظ تأیید می‌شود. بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق پیوندهای رو به جلو و عقب منجر به آثار مکمل بر سرمایه‌گذاری داخلی می‌گردد.

جدول ۳. برآورد مدل سرمایه‌گذاری خصوصی با استفاده از روش اثرات ثابت برای مجموعه ۱۰ کشور آسیایی

Dependent Variable: DI	ضرایب	آماره های t
Intercept	۲/۰۵۴۳۳۴	۲۶۷۱۰۶(۰/۲۰۶۴)
DI(-1)	۰/۸۳۴۱۹۴	۳۱/۷۴۰۸۹۸۴۸(۰/۰۰۰۰) *
Y	۰/۲۷۰۹۰۹	۶/۳۴۸۴۰۰(۰/۰۰۰۰) *
FDI	۰/۰۴۶۸۵۲	۱/۶۱۴۶۱۴(۰/۱۰۷۷)
OPEN	-۰/۰۲۱۲۲۵	-۳/۲۶۳۳۶۹(۰/۰۰۱۳) *
INF	۰/۰۰۳۵۹۱	۰/۱۱۲۸۶۱(۰/۹۱۰۲)
M	۰/۰۱۶۵۰۱	۱/۶۸۸۰۴۳(۰/۰۹۲۷) **
Y(-1)	۰/۰۲۲۴۱۲۵	۶/۷۷۳۳۱۴(۰/۰۰۰۰) *
GC	۰/۰۸۵۴۰۶	۰/۹۲۸۶۴۹(۰/۳۵۴۰)
R-squared: ۰/۹۱۹۱۹۹		
F-statistic: ۱۵۸/۵۹۶۲(۰/۰۰۰۰) *		
Durbin-Watson stat: ۱/۸۴۶۵۴۰		
Total Observations: ۲۵۵		
Hausman test: ۱۸/۳۸۱۲۴۶(۰/۰۱۸۵) *		
F Limer: ۷/۵۲۰۸۷۷۷۶۷*		

– اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده احتمال است.

* و **نشان‌دهنده معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰درصد می‌باشند.

مأخذ: نتایج تحقیق.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

ضریب متغیر رشد اقتصادی نیز مثبت و از لحاظ آماری معنادار است، در نتیجه رشد اقتصادی کشورها که بیانگر وضعیت اقتصادی بهتر و رونق اقتصادی است نیز علامت مطابق با انتظارات تئوریک دارد و با افزایش رونق اقتصادی که منجر به افزایش ظرفیت‌های اقتصادی می‌گردد، سرمایه‌گذاری داخلی افزایش خواهد یافت. متغیر درجه باز بودن تجاری اثر منفی و معنا داری بر سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها داشته است. دلیل این موضوع را می‌توان این مسئله دانست که با افزایش درجه باز بودن تجاری فضای رقابتی حاکم بر اقتصاد کشور گسترش می‌یابد و این موضوع میزان سوددهی بنگاه های داخلی را کاهش می‌دهد، و در نتیجه از میزان سرمایه‌گذاری داخلی کاسته خواهد شد.

در رابطه با متغیر تورم مشاهده شده است که ضریب این متغیر مثبت است، اما از لحاظ آماری معنادار نیست. ضریب متغیر توسعه مالی نیز بیانگر آن است که با افزایش سطح توسعه مالی در این کشورها بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی آنها افزوده خواهد شد. دلیل این امر را می‌توان در این نکته دانست که با توسعه مالی این کشورها از محدودیت‌های مالی بنگاه‌ها کاسته خواهد شد و امکان سرمایه‌گذاری بیشتری را به همراه خواهد داشت، زیرا افزایش منابع داخلی موجود منجر به سرمایه‌گذاری بیشتری می‌گردد در نهایت مشاهده می‌شود که مخارج مصرفی دولت بر میزان سرمایه‌گذاری داخلی آنها از لحاظ آماری اثر مثبت و بی معنا دارد.

با توجه به تخمین مدل پویا در جدول (۳) و امکان تورش ضرایب برآوردی جهت اطمینان از پایداری نتایج برآوردی اقدام به برآورد مدل سرمایه‌گذاری پویا با استفاده از تکنیک گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM) شده که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است. نتایج این جدول بیانگر آن است که با افزایش رشد اقتصادی یا رونق اقتصادی بر میزان سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها افزوده خواهد شد، همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثر مثبت و معنا داری بر سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها دارد که به معنای اثر مکمل این نوع سرمایه‌گذاری بر سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها است. افزایش درجه باز بودن تجاری با افزایش سطح رقابت و کاستن از سود بنگاه‌های داخلی از میزان سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها کاسته است. همچنین، توسعه مالی این کشورها بر میزان سرمایه‌گذاری داخلی آنها می‌افزاید که از افزایش اعتبارات مورد استفاده در سرمایه‌گذاری داخلی ناشی می‌گردد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

جدول۴. برآورد مدل سرمایه‌گذاری خصوصی با استفاده از روش GMM برای مجموعه ۱۰ کشور آسیایی

Dependent Variable: DI	ضرایب	آماره‌های t
Intercept	۷/۰۲۸۴۲۲	۲/۴۲۲۶۹۱(۰/۰۱۶۲) *
DI(-1)	۰/۸۱۲۸۵۵	۱۸/۱۴۰۹۷(۰/۰۰۰۰) *
Y	۰/۹۹۱۳۸۳	۴/۶۱۲۷۹۳(۰/۰۰۰۰) *
FDI	۰/۳۳۸۱۵۲	۱/۸۳۲۲۸۴(۰/۰۶۸۲) **
OPEN	-۰/۰۴۲۱۳۸	-۴/۴۴۵۶۷۷(۰/۰۰۰۰) *
INF	۰/۰۲۴۹۸۱	۰/۱۸۸۴۰۷(۰/۸۵۰۷)
M	۰/۰۲۰۷۸۹	۱۹۴۲۴۵(۰/۰۲۹۲) *
GC	-۰/۳۷۴۵۸۲	-۲/۶۸۹۰۶۴(۰/۰۰۷۷) *
R-squared: ۰/۸۴۸۲۵۵		
Durbin-Watson stat: ۱/۸۵۶۲۹۴		
Total Observations: ۲۵۵		
J-statistic: ۵/۱۱E-۲۲		
Instrument rank: ۱/۸۵۶۲۹۴		
Hausman test: ۲۱/۳۱۶۲۳۳(۰/۰۰۱۶) *		
F Limer: ۴/۴۶۱۱۰۱۰۴۳*		

- اعداد داخل پرانتز نشان‌دهنده احتمال است.

* و **نشان‌دهنده معناداری متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ و ۹۰درصد می‌باشند.

مأخذ:نتایج تحقیق.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه نشان‌دهنده آن است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اثری مثبت بر رشد اقتصادی این مجموعه از کشورها دارد، بنابراین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق انباشت سرمایه فیزیکی به‌طور مستقیم منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد و به‌عنوان موتور رشد اقتصادی در این کشورها مطرح است، در نتیجه سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای افزایش رشد اقتصادی این کشورها پیشنهاد می‌گردد. سرمایه‌گذاری داخلی نیز اثر مثبت و معنا داری بر رشد اقتصادی این کشورها دارد، بنابراین سیاست‌هایی که منجر به افزایش سرمایه‌گذاری داخلی می‌گردد می‌تواند در افزایش رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند. درجه باز بودن تجاری و سرمایه انسانی نیز بر سطح رشد اقتصادی اثر مثبت و معنا داری دارد. بر این اساس، این کشورها می‌توانند با افزایش سطح سرمایه انسانی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مناسب به‌صورت مستقیم بهره‌وری و رشد اقتصادی خود را افزایش دهند. همچنین باز نمودن درجه تجاری کشور از

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

طریق بهبود توان رقابتی بنگاه‌های کشور امکان ورود محصولات تولیدی کشورهای فوق به بازارهای جهانی را فراهم خواهد نمود که رشد اقتصادی بالاتری را به همراه خواهد داشت، اما در مقابل متغیرهای تورم و توسعه مالی آثار منفی و معناداری بر رشد اقتصادی داشته اند و سیاست‌های کاهش تورم جهت افزایش رشد اقتصادی پیشنهاد می‌گردند. دلیل اثر بازدارنده توسعه مالی این کشورها بر رشد اقتصادی را می‌توان در ناکارایی مکانیزم تخصیص اعتبارات دانست. این کشورها می‌توانند از طریق نظارت بر سیستم بانکداری و وضع قوانین قوی در بخش مالی کارایی بخش مالی خود را بهبود بخشند. متغیر مخارج مصرفی دولت نیز ضریب مثبت داشته است، اما از لحاظ آماری اثر معناداری بر رشد اقتصادی این مجموعه از کشورها نداشته است.

بر اساس نتایج رشد اقتصادی اثر مثبت و معناداری بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی این مجموعه از کشورها داشته است و با افزایش رشد اقتصادی رونق اقتصادی و افزایش ظرفیت فعالیت‌های اقتصادی منجر به افزایش سطح سرمایه‌گذاری داخلی شده است، بنابراین سیاست‌های محرک رشد اقتصادی در جهت گسترش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این مجموعه از کشورها پیشنهاد می‌گردد. همچنین مشاهده شده است که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آثار مکمل بر سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها دارد و منجر به افزایش میزان سرمایه‌گذاری داخلی شده است، بنابراین سیاست‌های جذب سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند علاوه بر اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر رشد اقتصادی بر میزان سرمایه‌گذاری داخلی کشورهای فوق نیز اثر مثبت داشته باشد. توسعه مالی نیز منجر به افزایش سطح سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها از طریق کاهش محدودیت‌های مالی آنها شده است، بنابراین پیشنهاد می‌گردد این مجموعه از کشورها با توجه به سیاست های توسعه مالی مناسب امکان افزایش سطح سرمایه‌گذاری را فراهم آورند، اما باید توجه شود که سیاست های فوق با درنظر گرفتن سیاست‌های نظارتی مناسب صورت گیرد، زیرا در کشورهای درحال‌توسعه توسعه مالی همراه با تورم و رشد بخش های نامولد اقتصاد همراه می‌باشد که آثار مضری برای اقتصاد به همراه خواهند داشت. اما تورم که دارای ضریب مثبت می‌باشد، اثر معناداری بر سطح سرمایه‌گذاری داخلی این کشورها نداشته است. متغیر مخارج مصرفی دولت نیز اثر مثبت و بی‌معنی بر سرمایه‌گذاری داخلی داشته است. اما درجه باز بودن تجاری اثر منفی و معناداری بر سرمایه‌گذاری داخلی داشته است و این موضوع بیانگر آن است که با افزایش درجه باز بودن تجاری در اقتصاد این کشورها و گسترش فضای رقابتی از سوددهی بنگاه‌های داخلی کاسته شده و در نتیجه آن از میزان سرمایه‌گذاری داخلی می‌کاهد، در نتیجه سیاست بازنمودن درجه تجاری این کشورها می‌بایست با سیاست‌های مناسب حمایت از بنگاه‌های داخلی همراه باشد.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

منابع

آذربایجانی، کریم، شهیدی، آمنه و فزانه محمدی (۱۳۸۸)، "بررسی ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، تجارت و رشد در چارچوب یک الگوی خود توضیح با وقفه های گسترده (ARDL)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، شماره ۲، صص ۱۷-۱.

حسینی ، سیدصفدر و مرتضی مولایی (۱۳۸۵)،"تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در ایران"، *پژوهشنامه اقتصادی*، شماره ۲۱، صص ۸۰-۵۷.

داوودی، پرویز و اکبر شاهمرادی (۱۳۸۳)،" بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب FDI در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۲۰، صص ۱۱۳-۸۱

شاه‌آبادی، ابوالفضل وعبدالله محمودی (۱۳۸۵)، "تعیین کننده‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران"، *جستارهای اقتصادی*، شماره ۳، صص ۱۲۶-۸۹

طیبی، سیدکمیل، آذربایجانی، کریم و روح الله بابکی (۱۳۸۷)، "اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر تجارت خارجی کشورهای منتخب آسیایی و اقیانوسیه"، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی)*، شماره۳، صص ۱۵۰-۱۲۹.

نجارزاده، رضا، صباغ کرمانی، مجید و وحید شقاقی‌شهری (۱۳۸۴)،" تخمین تابع عرضه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (OIC)"، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۳۵، صص ۲۱۲-۱۷۷.

Aryeetey, E. (2005), "Globalization, Employment and Poverty in Ghana", WIDER Thinking Ahead: The Future of Development Economics, Marina Congress Center, Helsinki, PP. 17-18.

Bhagwati, J. (1978), "Anatomy and Consequences of Exchange Control Regimes: Liberalization Attempts and Consequences", Cambridge, MA: Ballinger.

Bhagwati, J. (1985), "Inveting Abroad: Esmée Fairbairn Lecture", Lancaster University Press, Lancaster, PP. 309–39.

Balasubramanyam, V.N. Salisu, M.A.D. & D. Sapsford (1996), "Foreign Direct Investment and Growth in EP and US Countries", *Economic Journal*, Vol. 106, PP. 92-105.

Barro, R. J. & W. Lee (1993), "International Comparisons of Educational Attainment", *Journal of MonetaryEconomics*, Vol. 32, PP. 361–394.

Borensztein, E., Gregorio, J. W. & De Lee (1998), "How does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth?", *Journal of International Economics*, Vol. 45, PP.115-135.

Brems, H. (1970), "A Growth Model of International Direct Investment", *American Economic Review*, Vol. 60, No. 3, PP. 320-331.

Choe J. I. (2003), "Do Foreign Direct Investment and Gross Domestic Investment Promote Economic Growth?", *Review of Development Economics*, No. 7, No. 1, PP. 44-57.

De Mello, L. (1999), "Foreign Direct Investment led Growth: Evidence from Time Sseries and panel Data", *Oxford Economic Papers*, Vol. 51, No. 1, PP. 133-151.

De Mello, L. R. (1997), "Foreign Direct Investment in Developing Countries and Growth: A Selective Survey", *The Journal of Development Studies*, Vol. 34, No. 1, PP. 1-34.

Frimpong, Joseph Magnus & Oteng-Abayie, Eric Fosu (2006), "Bounds Testing Approach: An Examination of Foreign Direct Investment, Trade and Growth Relationships", MPRA Paper 352, University Library of Munich, Germany.

Global Development Finance (2005), "Financial Flows to Developing Countries: Recent Trends and Near-Term Prospects", Washington, DC: World Bank.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

Globerman, S. (1979), "Foreign Direct Investment and Spillover Efficiency Benefits in Canadian Manufacturing Industries", *Canadian Journal of Economics*, Vol. 12, PP. 42-56.
Karbasi, A., Mohamadi, E. & S. Ghofrani (2005), "Impact of Foreign Direct Investment and Trade on Economic", Economic Research Forum, 12th Annual Conference, 19th-21st December, Cairo, Egypt.
Kobrin, S. (2005), "The Determinants of Iiberalization of FDI Policy in Developing Countries: (1991–2001)", *Transnational Corporations*, Vol. 14, No. 1, PP. 67–103.
Kohpaiboon, Archanun (2004), "Foreign Trade Regime and FDI-Growth Nexus: A Case Study of Thailand", Working paper, Australian National University.
Lucas, L. (1990), "Why Doesn't Capital Flow from Rich to Poor Countries", AEA Papers and Proceedings, Vol. 80, PP. 92-96.
Lipsey, E. Robert (2001), "Foreign Direct Investment and the Operations of Multinational Firms: Concepts, History and Data", NBER Working Papers 8665, National Bureau of Economic Research, Inc.
Makki, S. & A. Somwaru (2004), "Impact of Foreign Direct Investment and Trade on economic Growth: Evidence from Developing Countries", *American Journal of Agricultural Economics*, Vol. 86, Issue 3, PP. 795-801.
Mansouri, B. (2005), "The Interactive Impact of FDI and Trade Openness on Economic Growth: Evidence from Morocco", Presented in 12th Econ. Research Forum Conference Casio, Egypt.
Nath, H. (2005), "Trade, Foreign Direct Investment and Growth: Evidence from Transition Economies", SHSU Economics and International Business Working Paper No. SHSU Eco WP05 04, Huntsville, TX: Sam Houston State University.
Nath, H. (2009), "Trade, Foreign direct Investment and Growth: Evidence from Transition Economies", *Comparative Economic Studies*, Vol. 51, PP. 20–50.
Nourbaksh, I. R. & J. M. Wills (2001), "Towards a Framework for Human - Robbot Interaction", *Stanford University*, Vol. 5, No. 16, PP. 07 – 21.
Pourshahabi, F., Shirazi, A. & GH. Safdarian (2009), "The Impact of Foreign Direct Investment and Trade on Economic Growth-Taking China, Korea, Malaysia, Philippines & Thailand for Example", *China-USA Business Review*, Vol. 8, No. 12, PP. 37-43.
Pourshahabi, F., Mahmoudinia, D. & E. Salimi Soderjani (2011), "FDI, Human Capital, Economic Freedom and Growth in OECD Countries", *Research Journal of Internatıonal Studies*, Vol. 19, PP. 71-81.
Rana, Pradumna B., Dowling. Jr & J. Malcolm (1988), "The Impact of Foreign Capital on Growth: Evidences from Asian Developing Countries", *The Developing Economics*, Vol. 26, No. 1, PP. 3-11.
Shi, Vizheng (2001), "Technological Capabilities and International Production Strategy of firms: The Case of FDI in China", *Journal of World Business*, Vol. 36, PP. 184-204.
Van Loo, F. (1977), "The Effect of Foreign Direct Investment on Investment in Canada", *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 59, No. 4. PP. 474-481.
Wang, J. Y. (1990), "Growth, Technology Transfer and the Long-Run Theory of International Capital Movements", *Journal of International Economics*, Vol. 29, No. 3-4, PP. 255-71.
Wang, Jion-re & Blostrom, Magnus (1992), "Foreign Investment and Technology Transfer: A Simple Model", *European Economic Review*, Vol. 36, PP. 137-155.
Xu, B. (2000),"Multinational Enterprises, Technology Diffusion, and Host Country Productivity Growth", *Journal of Development Economics*, Vol. 62, No.2, PP. 477-493.

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]

[Downloaded from qjerp.ir on 2026-11-05]